

**The performance of the political currents of the Islamic Consultative Assembly
in the sixth and seventh legislative periods, relying on national interests**

Abstract

In the system of government of the Islamic Republic of Iran, the Islamic Consultative Assembly is one of the main symbols of the presence of the will of the people in the structure of this system, which is of special importance. To examine the performance of the sixth and seventh parliaments; We need to look at economic, political, and social issues. The main issue of this article is whether the reformist and fundamentalist spectrums were able to perform their duties in parliaments based on national interests, or willingly or unwillingly during the spectrum. They sided with their faction and party. The findings of this study indicate that the Sixth Assembly, which functioned as a result of factional and party gangsterism, failed to take great strides in the national interest, and the Seventh Assembly, although involved in party activities and There were no partisan tensions, but the parliament's resolutions prevented the national interest from being upheld.

Keywords: sixth parliament, seventh parliament, national interests, reformists, fundamentalists

عملکرد جریان‌های سیاسی مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم قانون‌گذاری با تکیه بر منافع ملیقاسم رمضانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۰

مهدی صلاح^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۷

یاسر کهرازه^۳**چکیده**

در نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی یکی از اصلی‌ترین نمادهای حضور اراده‌ی مردم در ساختار این نظام است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای بررسی عملکرد مجلس ششم و هفتم؛ لازم است مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را مورد واکاوی قرار بدهیم، مسئله اصلی مقاله حاضر آن است که آیا طیف اصلاح طلب و اصول‌گرا توانستند در مجالس بر مبنای منافع ملی وظایف خود را انجام دهند و یا به طور خواسته و ناخواسته در جریان طیف جناحی و حزبی خود قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مجلس ششم عملکردی که نشأت گرفته از باندبازی‌های جناحی و حزبی بود، نتوانستند در راستای منافع ملی گام‌های بلندی برداد و مجلس هفتم نیز، اگر چه خود را درگیر فعالیت‌های حزبی و تشنجات حزبی ننمود؛ اما مصوبات این مجلس، نشان‌دهنده آن است که منافع ملی تحت‌الشعاع جریان‌های سیاسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: مجلس ششم، مجلس هفتم، منافع ملی، اصلاح طلبان، اصولگرایان

^۱ دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

^۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

تأثیر عوامل هنجاری و ساختاری بر قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران یکی مباحث مهم دهه اخیر می باشد. عملکرد قانون گذاری مطلوب و ایده آل از طریق دو مؤلفه هنجاری و ساختاری قابل ارزیابی است. مهم ترین نهاد حکومتی خوب، مجلس (قوه مقننه) یا به عبارتی کارکرد قانون گذاری مجلس است و چون وظیفه قانون گذاری بر عهده این نهاد قرار دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. مجلس شورای عوامل هنجاری و ساختاری قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران اسلامی به عنوان مهم ترین نهاد قانون گذاری در جمهوری اسلامی، نقشی حساس و جایگاهی ویژه دارد لذا عوامل هنجاری و ساختاری قانون گذاری بیان گر جایگاه آن در تثبیت، تحکیم و تقویت پایه های حکومت خوب نویناد جمهوری اسلامی است. قانون گذاری خوب به عواملی از قبیل نظارت، مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت و پاسخ گوئی، تفکیک قوا، برابری و انصاف و کارایی و اثربخشی بستگی دارد. قانون گذاری خوب و حکومت خوب مقوله ای هستند که مشخصات و ویژه ای در مباحث حقوق بشر، حقوق شهروندی، توسعه و عدالت اجتماعی و تفکیک قوا دارند. دستیابی به قانون گذاری پارلمان مناسب از آرمان های مهم نظام جمهوری اسلامی ایران برای جامعه بشری است. از این رو بحث قانون گذاری خوب و تعریف حکومت خوب و راه های دستیابی به آن از مباحث مهم در حقوق اساسی و علوم سیاسی می باشند. برای بررسی عملکرد دو مجلس که در دست دو جناح مخالف بوده است باید به نکاتی توجه کرد ابتدا اینکه کارنامه مجلس ششم و هفتم بیشتر بر رفع مشکلات مردم و جامعه ای بوده است که به نمایندگی آنان به ساختمان بهارستان راه یافته اند و در جهت منافع ملی بوده اند یا نه عکس این قضیه ثابت شده است. برای نقد آنان باید مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را مورد ذر بین قرار داد که هر یک از این مولفه ها به شاخصه های کوچکتر تقسیم می شوند که تبعات آن در جامعه متبلور می شود؛ آیا طیف اصلاح طلب و اصول گرا توانستند در مجالس بر مبنای آنچه که به نمایندگی رسیدند وظایف خود را انجام دهند و یا نه به طور خواسته و ناخواسته در جریان طیف جناحی و حزبی خود قرار گرفتند. آیا طرح ها و لوایح تصویب شده بر پایه طبقات اجتماعی و یا به صورت فرایند علمی بوده است و یا خیر به صورت گذرا و در عین حال پاسخ به طیف قلیلی بوده است. باید دید طرح ها و لوایح مسکوت شده و یا درخواست فوری برای تأیید به لحاظ کار کارشناسی و علمی بوده است و یا باز نیز تحت تأثیر جناح ها صورت گرفته است. لازم به ذکر است سوال اصلی پژوهش آن است که آیا طیف اصلاح طلب و اصولگرا توانستند در مجالس بر مبنای منافع ملی وظایف خود را انجام دهند و یا به طور خواسته و ناخواسته در جریان طیف جناحی و حزبی خود قرار گرفتند؟ این پژوهش بر این فرضیه استوار است که مجلس ششم؛ با سیاست زدگی به حاشیه رانده شد و همچنین مجلس هفتم با شعار اصولگرایی به میدان آمد و اکثریت قاطع آن را با رأی ملت، اصولگرایان تشکیل داده اند اما رفتار نمایندگان و جریان سیاسی در این مجلس بیشتر فردگرایانه بود.

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، کشور بر اساس قانون اداره میشود و نهاد قانون‌گذاری نیز مبتنی بر نظام تک مجلسی و متمرکز در مجلس شورای اسلامی است. علاوه بر این، مجلس مسئولیت نظارت بر امور گوناگون کشور و نهادهای حکومتی را برعهده دارد. مروری بر اصول قانون اساسی نشان میدهد که مسئولیت خطیر تصمیمگیری در گستره ملی برعهده نمایندگان گذارده شده است؛ لذا این تحقیق تلاش دارد عملکرد جریان‌های سیاسی مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم قانون‌گذاری با تکیه بر منافع ملی را بررسی نماید. لذا نوآوری پژوهش حاضر بررسی مجلس ششم و هفتم شورای اسلامی با تکیه بر منافع ملی می‌باشد که تاکنون تحقیق مستقلی در این خصوص نگارش نشده است.

۳- تعریف مفاهیم اصلی

پارلمان: پارلمان به عنوان سبیل حاکمیت مردم (آشوری، ۱۳۸۹: ۷۶) در نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی، نقش مهمی در تعیین سیاست‌های عمومی دارد و به صورت مشخص کارویژه‌هایی زیر را عهده‌دار است: الف) قانون‌گذاری؛ ب) نمایندگی و ج) نظارت (هیوود، ۱۳۸۹). در ایران نیز بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول بوده و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید (اصل ۸۴ قانون اساسی)؛ هم‌چنانکه، مجلس محق است در تمام امور کشور به تحقیق و تفحص بپردازد (اصل ۷۶ قانون اساسی) مفهوم قانون: مجموعه ضوابط عام و مدونی است که برای همگان به طور مساوی ایجاد حق و تکلیف کرده و متعاقباً حد و مرز اعمال تابعان قانون را مشخص مینماید و به تنظیم روابط افراد، گروه‌ها و جامعه می‌پردازد

نظام اکثریتی: نظام انتخابات نمایندگان پارلمان در ایران نظام اکثریتی است که نمایندگان در مرحله اول با اکثریت حداقل یک چهارم کل آراء انتخاب می‌شوند. در صورت عدم کسب این اکثریت در مرحله اول، تعداد دو برابر نمایندگان مورد نیاز که بیشترین آرا را به دست آورده‌اند به مرحله دوم راه می‌یابند. در مرحله دوم نمایندگان با اکثریت نسبی پیروز می‌شوند.

۴- چهارچوب نظری

از آنجایی که هدف این پژوهش عملکرد جریان‌های سیاسی مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم قانون‌گذاری با تکیه بر منافع ملی از روش تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌شود. شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی است. اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل این وضعیت به روش اسنادی، از برنامه‌ها و اسناد مرتبط همچون قانون اساسی، برنامه توسعه، مصوبه‌های دولت و قانون بودجه گردآوری شده است.

در باب عملکرد جریان‌های سیاسی مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم قانون‌گذاری با تکیه بر منافع ملی

مطالعات چندانی انجام نشده است. تنها مطالعه در این مورد را میتوان پژوهش ملک الساداتی و همکاران (۱۳۹۲) دانست. در این پژوهش، نویسندگان به این سوال که "آیا میان اندازه حوزه‌های انتخابیه و نوع سیاست‌های بودجه‌ای مورد نظر نمایندگان از لحاظ ملی یا منطقه‌ای، ارتباط معناداری وجود دارد یا نه؟" در چارچوب اقتصاد نهادی جدید و با به کارگیری نظریه‌ی اقتصاد سیاسی پاسخ می‌دهند. از آنجایی که محققان نوشتار یاد شده، تنها به کنش تذکر نمایندگان به مسئولان اجرایی در دو سال از دوره هشتم فعالیت مجلس شورای اسلامی مورد مطالعه قرار داده‌اند، از نظر دامنه پژوهش، جامعه‌ی آماری بسیار محدودی را مطالعه کرده‌اند و طبعاً نتایج نیز محدود بوده است. آزمایشگاه شبکه‌های اجتماعی دانشگاه تهران، با هدف شفاف‌سازی عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نرم‌افزار مجلس‌گرافی را راه‌اندازی نموده است. این سامانه یک کار پژوهشی دانشگاهی در حوزه شبکه‌های اجتماعی و پردازش متن است که تمامی اطلاعات مندرج در آن از اسناد منتشر شده توسط مجلس استخراج شده است. با توجه به اینکه مردم به عنوان رای دهندگان، تمایل دارند عملکرد نماینده خود را رصد نموده و از نتیجه انتخاب خود آگاهی داشته باشند (Mckay, 2020). همچنین طرح نظارت بر نمایندگان مجلس در سال ۱۳۸۹ از سوی ۵۵ نماینده مجلس ارائه و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۰۳ با وجود مخالفت گروهی از نمایندگان، از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفت که به موجب ماده ۱ آن، در ابتدای هر دوره مجلس شورای اسلامی و حداکثر سه ماه پس از انتخاب هیأت رئیسه دائمی، هیأت نظارت برای همان دوره تشکیل می‌گردد. به طور کلی ارزیابی عملکرد فرایندی است که به سنجش و اندازه‌گیری، ارزش‌گذاری و قضاوت درباره عملکرد طی دوره‌ای معین می‌پردازد. لذا نظام ارزیابی عملکرد را می‌توان فرایند سنجش و اندازه‌گیری و مقایسه میزان و نحوه دستیابی به وضعیت مطلوب با معیارها و نگرش معین در دامنه و حوزه تحت پوشش معین با شاخص‌های معین و در دوره زمانی معین با هدف بازنگری، اصلاح و بهبود مستمر آن می‌باشد. تامل در شکل ذیل به درک بهتر مدل این مقاله کمک می‌نماید:



۵-مقدمات روی کار آمدن مجلس ششم

انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۹ در دو مرحله و با حضور بیش از ۲۶ میلیون نفر (۶۷ درصد واجدان شرایط رأی‌دهی) برگزار شد و ۲۹۰ نماینده از میان ۶۸۵۳ نامزد با آرای مردم به مجلس فرستاده شدند. در ادوار سوم و ششم اکثریت مجلس در اختیار گروه‌های همسو با جبهه خط امام و اصلاح‌طلبان بوده و در سایر دوره‌ها احزاب و تشکلهای اصولگرای همسو با جامعین (که شامل دو تشکل همفکر جامعه‌روحانیت مبارز (جامعه روحانیت) و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (جامعه مدرسین) می‌باشند) اکثریت مجلس را در اختیار داشته‌اند. (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

۱-۵-فراکسیون‌های مجلس ششم

همزمان با روی کار آمدن سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس هفتمین دولت جمهوری اسلامی ایران، حزب مشارکت متشکل از چهره‌های اصلاح‌طلب تشکیل شد. از سوی دیگر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در این سال‌ها ماهیت چپ به خود گرفته بود. کارگزاران سازندگی هم در این سال‌ها توانسته بود ساختار حزبی کاملی به خود بگیرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز که در این انتخابات شرکت کرده بود با مشخص شدن نتایج آرا و قرار گرفتن در آخرین آرای شهر تهران انصراف داد و از رقابت‌ها کناره‌گیری کرد. از سوی دیگر غلامعلی حداد عادل نفر اول جناح راست که در شمارش آرا تهران نفر سی‌وسوم شده بود در بازشماری آرا توسط شورای نگهبان با ارتقایی ۵ رتبه‌ای نفر ۲۸ تهران شد و به مجلس راه یافت و با سایر نماینده‌های اصولگرایی که در این دوره رای آورده بودند فراکسیون اقلیت مجلس را تشکیل دادند. (روحانی، ۱۳۹۱).

مجمع روحانیت مبارز: این مجمع در سال ۱۳۶۷ از جامعه روحانیت مبارز جدا شد. رد صلاحیت گسترده کاندیداهای مجمع توسط شورای نگهبان به دلیل عدم التزام به اسلام یا ولایت فقیه در انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۷۵ تکرار شد و مجمع از این انتخابات نیز کنار کشید اما یک سال بعد محمد خاتمی از اعضای مجمع به پیروزی بزرگ و غیرمنتظره‌ای در انتخابات ریاست جمهوری هفتم دست یافت و با تفاوتی چشم‌گیر بر رقیب خود علی اکبر ناطق نوری پیروز شد. راه‌اندازی جبهه مشارکت ایران اسلامی در دوران اصلاحات و پیروزی بزرگ این حزب در انتخابات مجلس ششم، نقش مجمع به عنوان رهبری جناح چپ را کاهش داد. اما مهدی کربوبی توانست علی‌رغم آنکه در انتهای فهرست نمایندگان راه‌یافته به مجلس ششم قرار داشت با موافقت حزب مشارکت و سازمان مجاهدین ریاست مجلس را در اختیار گیرد. گرچه عملکرد وی در مقام رئیس مجلس، به ویژه در خصوص مسائلی چون نامه آیت‌الله خامنه‌ای برای عدم اصلاح قانون مطبوعات (و تأیید محدودیت‌های ایجاد شده در مجلس پنجم)، رد صلاحیت بی‌سابقه در انتخابات مجلس هفتم و تحصن عده‌ای از نمایندگان در مجلس و ... مورد انتقاد اصلاح‌طلبان نیز بود. به طور کلی روحانیون مبارز هدف خود را تحقق آرمانهای اصلی رهبر انقلاب می‌دانستند. جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران از آن‌جا که یک نهاد حزبی نبود و در جایگاه یک حزب سیاسی برای اعضا و هوادارانش تصمیم نمی‌گرفت، قاعدتاً در روند فعالیت‌های خود با اختلاف سلیقه‌های درونی روبه‌رو گردید.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: این سازمان در فعالیت‌های مربوط به تشکیل سپاه پاسداران و کمیته مرکزی انقلاب و سرکوب ضد انقلابیون فعالیت چشمگیر داشت. با شکاف درونی بلوک نیروهای سنتی - اسلامی در داخل این سازمان نیز شکاف ایجاد شد و دو جناح محافظه کار و رادیکال در آن پیدا شدند. کار مناقشه میان این دو جناح سرانجام به انحلال شوراهای آن در سال ۶۱ انجامید.

۲-۵- مصوبات مجلس ششم

رقابت اصلی در انتخابات مجلس ششم بین دو طیف اصلاح طلب و محافظه کار بود و در نهایت با پیروزی جناح اصلاح طلب برخلاف دوره قبل محافظه کاران در اقلیت قرار گرفتند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۹). در شمارش آرا در انتخابات مجلس ششم تقلب‌هایی در بعضی حوزه‌های رأی‌گیری مشاهده شد اعلام نتیجه انتخابات در تهران با اعتراض‌های شدید بعضی از نامزدها را که از جناح اصول‌گرا بودند، برانگیخت (روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۳/۱). در طول چهار سال فعالیت مجلس ششم ۵۳۴ اخطار قانون اساسی در صحن علنی داده شد. این تذکرات بیشتر حول محور سوگند نمایندگان به پای‌بندی به حفظ حقوق مردم و منافع ملی و دفاع از قانون اساسی، آزادی نمایندگان در رأی و اظهار نظر خود، اصل تفکیک قوا و بعضاً نیز یادآوری وظایف رئیس‌جمهور به وی بود. به طور کلی مجلس ششم پرتنش‌ترین و جنجالی‌ترین مجلس پس از انقلاب بوده است. نامه ۱۲۷ نماینده مجلس به رهبر معظم انقلاب اسلامی (که کارنامه ننگین و فضاحت باری برای مجلس ششم به حساب می‌آید و نشانه همراهی و همدلی عده‌ای از نمایندگان با دشمنان خارجی است)، حمایت نابجای نمایندگان مجلس از یک نماینده خطای و محکوم در دادگاه، قرائت بیانیه نمایندگان در حمایت از جریان موسوم به ملی‌مذهبی‌ها در صحن علنی مجلس، طرح منع شکنجه (بدون طی مراحل قانونی)^(۹) (و ... و نیز نطق‌های اختلاف‌آفرین و دعوت به آشوب برخی از نمایندگان مجلس، همه و همه در ایجاد تنش و جنجال در جامعه مؤثر بوده و همواره کشور را به سوی التهاب، درگیری و دور ماندن از آرامش سوق داده است.

در این میان دو مصوبه غیرشرعی و غیرقانونی (پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و اصلاح قانون مطبوعات) به عنوان اقدامی خطرناک و انحرافی، کارنامه مجلس ششم را سیاه‌تر کرده است، در ادامه برخی از جنجالی‌ترین مصوبات مجلس ششم خواهیم پرداخت.

بحث اصلاح قانون مطبوعات اولین و جدی‌ترین اقدام مجلس ششم به شمار می‌رفت. با این وجود یکی از اقدامات خطرناک و انحرافی در مجلس ششم، ارائه طرح «اصلاح قانون مطبوعات» بود. این طرح با فرمان مقام معظم رهبری از دستور جلسه خارج گردید. ایشان در سخنرانی اخیر خود در قزوین با اشاره به این طرح، فرمودند: «رهبری در مسئولیتهای قوا دخالت نمی‌کند، مگر احساس کند که اگر تذکر ندهد، یک زاویه بسیار خطرناک در مسیر عمومی ملت پیش می‌آید که در مجلس ششم یک بار در تغییر قانون مطبوعات، این مسئله رخ داد که رهبری با احساس تکلیف شرعی، تذکر داد (۱۴)». مجلس ششم در شرایطی دست به این اقدام می‌زد که برخی روزنامه‌ها مانند روزنامه «سلام» با جهت‌گیری‌های افراطی و جنجالی به بلندگوهای دشمن و در ضدیت با منافع ملی تبدیل شده بودند. در آن شرایط ابتدا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامه‌ای نسبت به تغییر قانون

مطبوعات ابراز نگرانی کرد. مقام معظم رهبری نیز از مجلس خواست که بررسی این طرح با تأنی صورت گیرد و نمایندگان در فوریت این طرح را تبدیل به یک فوریت کردند ولی در روند و محتوای این طرح تغییری حاصل نشد. شورای اسلامی دوره ششم در تاریخ ۱۳۸۰/۰۳/۰۸ طرح جرم سیاسی را در ۳ فصل و ۲۳ ماده تصویب کرد، بر اساس مصوبه مجلس فعل یا افعالی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هر گاه به انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر با حاکمیت دولت یا مدیریت سیاسی کشور یا مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق سیاسی اجتماعی و فرهنگی شهروندان و آزادی‌های قانونی ارتکاب یابد، جرم سیاسی به شمار می‌آید. شورای نگهبان قانون اساسی طرح مذکور را در ۱۸ مورد خلاف قانون اساسی و شرع دانست؛ لذا این طرح دارای ایراداتی بود که منجر به مسکوت ماندن آن شد.

همچنین مجلس شورای اسلامی در دوره ششم برای بار دوم؛ به مصوبه منع شکنجه تأکید کرد اما شورای نگهبان در رد این مصوبه تأکید کرد که «به هر حال مصادیق در حکم شکنجه واقعا نمی‌تواند محدود به موارد مذکور باشد، بلکه همه موارد که در حکم شکنجه است محکوم به منع می‌باشد»؛ لذا این مصوبه که به جهت بار مالی از سوی شورای نگهبان رد شد. مجلس شورای اسلامی در نشست علنی سوم شهریور ۸۱ خود طرحی را در شور دوم به تصویب رساند که در آن ضمن تعریف نفقه زن، برخی از مقررات مربوط به سهم‌الارث و حق طلاق زنان اصلاح شد. در جلسه علنی ۶ مهر سال ۷۹ مجلس شورای اسلامی کلیات طرحی به تصویب رسید که بر اساس آن دانشجویان دختر هم می‌توانند برای ادامه تحصیل در مقاطع عالی به خارج از کشور بروند. در پی تصویب این طرح بسیاری از متدینین از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس از طرح اصلاح قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور انتقاد کرد و آن را لازم و ضروری ندانست.

طرح یک فوریتی تشکیل هیأت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی توسط ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله آقایان میردامادی، آرمین، بورقانی، سعیدی، نوری، کیانوش راد، مزروعی و موسوی خوئینی با قید یک فوریت تقدیم مجلس شد و یک فوریت آن در جلسه علنی مورخ ۸۰/۸/۶ به تصویب رسید. این طرح پس از تصویب نهایی مجلس در تاریخ پنجم دی ماه ۸۰ به شورای نگهبان با بررسی طرح، در تاریخ ۲۳ دی ماه ۸۰ با ۱۱ ایراد آن به مجلس شورای اسلامی برگرداند.

در دوران دولت اصلاحات لوایحی موسوم به لوایح دوقلو مطرح شد که براساس آن، دو هدف اساسی دنبال می‌شد؛ اول، تغییر قانون انتخابات شامل حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان و حذف اعتقاد و التزام کاندیداهای مجلس به اسلام و ولایت فقیه و دوم، لایحه تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور مبنی بر نظارت بر انتخابات مجلس و دخالت و اشراف بر محاکم قضایی و رأی دادگاه‌ها. به دنبال آن، کار به جایی رسید که گروهی از نمایندگان مجلس ششم تهدید کردند در صورت عدم تصویب این لوایح توسط شورای نگهبان از حاکمیت خارج و لوایح را خط قرمز خود اعلام می‌کنند. رئیس دولت اصلاحات در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۸۱ به مناسبت هفته دولت در مصاحبه‌ای با خبرنگاران، خبر تهیه ۲ لایحه مهم «لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس» و «لایحه تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور» را داد. این لوایح به زودی به «لوایح دوگانه» یا «لوایح دوقلو» معروف شدند. تهیه این لوایح با پوشش گسترده رسانه‌ها همراه بود و آنان که از تصویب این لایحه در

مجلس مطمئن بودند به حمایت از آن پرداختند تئوریسین‌های دوم خرداد، بعد از بررسی‌های استراتژیک، به این نتیجه رسیده بودند که کامیابی آنان در «فتح سنگر به سنگر» است. یک بعد فتح سنگر به سنگر در ورود به مراکز مختلف نظام و تسلط بر آنها بود، ولی این تئوری یک بُعد دیگر هم داشت و آن بی اثر کردن یکی پس از دیگری محافظان همان سنگرها بود که البته مانع و محافظ اصلی از نظر آنها، شورای نگهبان بود. احمد شیرزاد (عضو افراطی جبهه مشارکت) همه این مطلب اذعان نمود و یکی از اهداف لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس را «حذف نظارت استصوابی» دانست. تناقضات مختلف این لایحه با اصول قانون اساسی، رد شدن آن را در شورای نگهبان قطعی کرده بود و لذا طیف مذکور پیشاپیش (یعنی حتی قبل از طرح شدن موضوع در مجلس) شروع به جوسازی در رسانه‌ها و تهدید نظام کردند. آنها می‌گفتند اگر شورای نگهبان این مصوبه مجلس را (که هنوز مصوب نشده بود) بی‌قید و شرط تأیید نکنند، آنان (یعنی هیئت دولت و نمایندگان مجلس) هم به صورت دسته جمعی استعفا داده و از حاکمیت خارج شوند. محمدرضا خاتمی دبیر کل حزب مشارکت طی مصاحبه‌ای با روزنامه الرأی العام کویتی اعلام کرد: «در صورتی که لوایح پیشنهادی رئیس جمهور به مجلس رد شود، اصلاح طلبان اقدام به برگزاری رفراندوم خواهند کرد و در نهایت اگر همه مسیرها را بسته ببینند از حاکمیت خارج خواهند شد.» سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم‌نوا با حزب مشارکت از زبان تاج زاده عضو شورای مرکزی خود، اعلام کرد: «اگر همه راه‌ها بسته شود خروج از حاکمیت آخرین راه حل است. اگر خواست اصلاح طلبان بر آورده نشود استعفا می‌دهند تا اعلام کنند ما در این چارچوب نمی‌توانیم کار کنیم.» نهایتاً لایحه اصلاح قانون انتخابات در هفته اول آبان ماه ۱۳۸۱ در مجلس ششم مطرح و با توجه به اکثریت داشتن جناح دوم خرداد در مجلس، به سادگی تصویب شد. لایحه «تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس جمهور» هم در ۱۹ آبان همان سال به تصویب رسید. سرانجام در تاریخ ۹ اسفند نمایندگان مجلس ششم، بررسی لایحه تغییر قانون انتخابات را پی‌گرفتند و با تصویب آخرین بندها، رسیدگی به این لایحه را به پایان رساندند.

هم زمان با پایان یافتن بررسی لایحه تغییر قانون انتخابات، اجلاس مجلس خبرگان رهبری برگزار شد. در افتتاحیه این اجلاس، آیت‌الله مشکینی رئیس وقت مجلس خبرگان، با انتقاد از تخلف نمایندگان مجلس ششم از قانون اساسی تأکید کرد: «خبرگان رهبری از حوادث تلخ داخلی که به دست متصدیان قانون صورت می‌گیرد مانند حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان، حذف التزام عملی به ولایت فقیه و اسلام در قانون انتخابات و تأیید صلاحیت برخی ناصالح‌ها برخلاف نظر صریح امام (ره) ... جدا ابراز تأسف می‌کند.» شورای نگهبان نیز پس از پایان تعطیلات نوروزی سال ۱۳۸۲ و در نخستین روزهای کاری سال جدید، با بررسی و بحث‌های کارشناسی پیرامون لایحه قانون انتخابات مجلس، لایحه اصلاح قانون انتخابات را با ۳۹ مورد مغایرت با قانون اساسی و ۷ مورد مغایرت با شرع مقدس اسلام، به مجلس عودت داده و همچنین لایحه افزایش اختیارات رئیس جمهور را نیز در تاریخ ۱۹ اردیبهشت با ۱۰ مورد مغایرت با قانون اساسی و شرع مقدس به مجلس شورای اسلامی عودت می‌دهد.

از جمله اقدامات ضد امنیتی که بعد از دوم خرداد دنبال می‌شد، طرح خروج از حاکمیت بود. این طرح پس از رد لوایح دو قلو و بحث رد صلاحیت کاندیداهای مجلس هفتم در دستور کار همه جریانات اپوزسیون در داخل و خارج از مجلس ششم قرار گرفت، بنای این استراتژی چنانچه عباس عبدی می‌گوید بر این اصل استوار

بود که: «مشروعیت نظام اسلامی ناشی از حضور اصلاح طلبان است و با خروج آنها از حاکمیت، مشروعیت نظام از میان رفته و نظام عملاً دار فروپاشی درونی می‌شود» (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶/۱۰/۲۴)

سال ۱۳۸۲ و در آستانه انتخابات مجلس هفتم تصمیم گرفته شد با ایجاد یک فضای سنگین روانی برای شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت شکست تصویب لوایح دو قلو را جبران کند و به هر ترتیبی که شده، صلاحیت یاران خود را برای ورود به مجلس کسب نمایند. تا جایی که «محسن آرمین» محورهای اصلی استراتژی حزب مشارکت و سازمان مجاهدین برای انتخابات مجلس هفتم را «فشار بر شورای نگهبان برای جلوگیری از رد صلاحیت» اعلام کرد. از نظر داخلی، مجلس یکی از نهادهای حاکمیت است که باید در چهارچوب قانون اساسی و در تعامل با سایر قوا فعالیت کند.

در بررسی و موشکافی بی طرفانه و منصفانه عملکرد مجلس ششم، متأسفانه نقاط ضعف زیادی مشاهده می‌شود که تمامی اقدامات مفید و سازنده مجلس را تحت الشعاع خود قرار داده است. کارنامه مجلس شامل مصوبات، نطق‌های پیش از دستور، طرح‌ها، فوریت‌ها، اظهار نظرهای بیرون از مجلس، نامه نگاری‌ها و طومارها، سؤالات، استیضاح‌ها، طرح‌های تحقیق و تفحص و سایر نقش‌های تقنینی و یا نظارتی مجلس است. وظیفه اصلی نمایندگان، قانون‌گذاری و نظارت است که متأسفانه هر دوی این امور، اسیر جناح بازی و اهداف گروهی شد. در واقع یک گروه افراطی دورنمای مجلس را سیاسی جلوه دادند. در نتیجه وقت مجلس ششم بیشتر به جنجال‌های سیاسی، و دعوای بین احزاب و گروه‌ها سپری شد و باعث غفلت از مسائل اساسی تر و اختلال در تحقق منافع ملی گردید. و این باعث از بین رفتن فرصت‌های طلایی خدمات به کشور و مردم و رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... شد. سیاست زدگی مجلس ششم، باعث شد که از نیازهای واقعی مردم و خواست‌های اساسی کشور و تعیین اولویت‌ها غفلت شود. و برنامه مردم سالاری می‌نویسد: «مجلس در شرایط کنونی، علاوه بر موانع بیرونی، از ضعف‌های درونی خویش هم رنج می‌برد. ضعف در اولویت بندیها، ضعف در برخوردهای کارشناسی با طرح‌ها و لوایح، ضعف در نحوه نظارت بر ارگانها و نهادها، ضعف در نحوه پیگیری سؤالات و موارد استیضاح نمایندگان و به زیرکشاندن وزرای ضعیف و (8) ...»

برخی از اصلاح طلبان حاکم بر مجلس ششم ادعا می‌کردند که نجات دهندگان جمهوری اسلامی ایران و پیروان خط امام و حافظان منافع ملی کشور هستند. اما برخی از آنان، رفتارهای متناقض و شگفت‌آوری از خود نشان دادند که گویا مجلس ششم، جبهه جنگ علیه نظام اسلامی است و نمایندگان، اپوزیسیون و مخالفان جدی این نظام هستند و به غیر از نطق‌های تشنج‌زا، بلواآفرینی، تصویب مقررات و قوانین تند و افراطی و ... هیچ کاری ندارند.

اقدامات غیرقابل پذیرش و افراطی برخی از نمایندگان مجلس ششم که در جهت مخالف منافع ملی بوده‌اند در گزینه‌های زیر، قابل مشاهده است:

- دادن وعده‌های غیر واقعی در رابطه با تغییر قانون اساسی و ... برای جلب آرای برخی از مخالفان داخلی نظام
- طرح شعار دروغین خروج از حاکمیت و استعفا

- بی توجهی به منافع ملی و در اولویت قرار دادن منافع حزبی و جناحی بر مصالح کشور و تامین نظرات دشمنان و بی توجهی به حساسیتهای مردم
- طراحی فتنه علیه ارکان اصلی نظام با نامه سرگشاده ۱۰۰ تا ۱۲۷ نماینده به مقام معظم رهبری
- به حاشیه راندن خواسته های اصلی مردم و بی توجهی به مشکلات و معضلات اساسی آنان (که برای نظام بسیار خطر آفرین است)
- جبهه گیری تند علیه سایر قوای خدمت گزار نظام (مانند قوه قضائیه، شورای نگهبان، صدا و سیما، سپاه پاسداران، بسیج)
- طرح مطالب ضد امنیتی (مثل سخنان شیرزاد) و اتهامهای ناروا به سایر ارکان نظام و تفسیر غیر واقعی و پوچ از اوضاع جهانی و هم نوایی با دشمنان در مسائل امنیتی و نظام، مثل پروتکل الحاقی

۶-مقدمات روی کار آمدن مجلس هفتم

اصلاحات پس از پیروزی در دوم خرداد ۱۳۷۶ نتوانست جامعیت خود را حفظ کند و به نیازها و تقاضاهای متعدد زمانه پاسخ دهد و به این ترتیب انشقاق و ریزش در آن آغاز شد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۷). بنابراین، تحلیل های بر پایه عدم اقبال اصلاح طلبان از سوی مردم مدعی اند، غفلت از اقتصاد، معیشت و خواسته های ملموس طبقات پایین و پرداختن به شعارهایی چون آزادی، مردم سالاری و جامعه مدنی، منافع ملی که هیچ توافقی بر سر آنها نبود و مباحثی که به تدریج جذابیت خود را به علت عدم ارتباط مستقیم با مشکلات اصلی و اساسی مردم از دست می دادند از جمله عوامل اصلی روی آوردن مردم به اصول گرایان بوده است (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۷). یکی از روزنامه های دوم خردادی، به خوبی این مطلب را بیان کرده است:

«اصلاح طلبان حتی بعد از تسلط بر دولت و مجلس، هنوز هم با لهجه اپوزیسیون صحبت می کنند و تمایل دارند به عنوان یک حزب اپوزیسیون باقی بمانند ... اصلاح طلبان با لهجه ای دوگانه سخن می گویند. در پای صندوق-ها با لهجه اپوزیسیون سخن می گویند و آن هنگام که در راس وزارتخانه های دولتی قرار می گیرند، به لهجه مستوفیان دیوانی ... ، استفاده از مردم توسط اصلاح طلبان تنها به صندوقهای رای محدود شده و در استراتژی آنها، مردم تماشاگرانی غیرفعال هستند»^(۱۷).

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱ اسفند ۱۳۸۲، برگزار گردید و در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۸۳، اولین جلسه مجلس هفتم برگزار شد. غلامعلی حدادعادل که رئیس فراکسیون اقلیت در مجلس ششم بود، رییس مجلس هفتم شد و اصلاح طلبان که به صورت عمده و گسترده به دلیل عدم احراز صلاحیت توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شده بودند، نامزد چندانی نداشتند که در انتخابات شرکت کنند. از این رو تنها تعدادی معدودی از آنها از شهرستانها توانستند وارد مجلس شوند و فراکسیون اقلیت مجلس هفتم را تشکیل دادند. با وجود آنکه پیش بینی می شد در خلاء اصلاح طلبان، اصولگرایان یک دست باشند و مجلسی شبیه مجلس چهارم

شکل بگیرد، نخستین جرقه‌ها و پراکندگی میان اصولگرایان در همین مجلس زده شد. با وجود آنکه فراکسیون اصولگرایان با حضور حداد عادل، باهنر، توکلی، ثروتی، ابوترابی، کاتوزیان، فدایی و چهره‌های دیگر تشکیل شده بود، اصولگرایان علاوه بر تشکیل فراکسیون اکثریتی به همین نام، سه فراکسیون دیگر نیز تاسیس کردند. دو فراکسیون اصولگرایی دیگر هم با عنوان فراکسیون «وفاق و کارآمدی» و «حزب الله» تشکیل شد. چهره‌های شاخص فراکسیون وفاق، امیدواررضایی، رضا طلایی نیک، عادل آذر و علی احمدی بودند که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ صف حامیان محسن رضایی را تشکیل می‌دادند و چهره شاخص فراکسیون «حزب الله» هم علی عسگری بود که بروز و ظهور چندانی در قالب فعالیت‌های فراکسیونی نیافت (روحانی، ۱۳۹۱).

فضای انتخاباتی مجلس هفتم، به شدت تحت تاثیر رویدادهای ماه‌های پایانی مجلس ششم قرار داشت. این انتخابات در شرایطی انجام شد که توده‌های مردم دیندار از عملکرد مجلس ششم و بعضی نمایندگان ناراضی بودند. سیاست زده‌گی، تشنج آفرینی، ارزش زدائی و دگر اندیشی وقت کشی که همگی در راستای ضدیت با منافع ملی و خواست مردم بود؛ با عملکردی ضعیف و گاه ضد ارزش حاکم بر آن مجلس، حالت بی تفاوتی نسبت به انتخابات را پدید آورده بود (رهبر، ۱۳۸۳: ۱۲).

۱-۶- مصوبات مجلس هفتم

از جمله مهمترین مصوبات این دوره می‌توان از قانون دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز نام برد که در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۵ تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. همچنین قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به اصلاحیه‌ی ماده‌ی (۸) کنوانسیون بین المللی رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که این قانون در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. قانون بعدی، قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع و یا گزارش پرونده‌ی هسته‌ای به شورای امنیت بود که در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱ تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۹ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. همچنین می‌توان از قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نام برد که در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۲ مورد تصویب قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۲۹ توسط شورای نگهبان تأیید شد.

اهمیت و حساسیت در موضوع انرژی هسته‌ای و رژیم حقوقی دریای خزر بعنوان چالش برانگیزترین مباحث سیاست خارجی ایران طی چهارسال اخیر بی‌شک بررسی عملکرد و دستاوردهای مجلس هفتم در عرصه سیاست خارجی را حول این دو محور عمده قرار می‌دهد. لازم به ذکر است اصلی‌ترین حرکت مجلس در راستای تعیین تکلیف رژیم حقوقی دریای خزر را به واقع در مجلس ششم می‌توان سراغ گرفت. چرا که در مجلس هفتم اقدام برای تسهیل تعیین رژیم حقوقی خزر تنها بی‌بحث و گفت و گو در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی محدود و با ارائه گزارش‌هایی از سوی وزیر امور خارجه صحن علنی ادامه می‌یافت. در مجلس ششم بی‌توجهی ساختاری به مسائل آسیای مرکزی بعنوان یک مشکل در کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مد

نظر نمایندگان قرار گرفت و پیگیری‌های مجلس منجر به تشکیل کمیته ای مربوط به مسائل دریای خزر زیر نظر کمیسیون سیاست خارجی شد. در حالی که به نظر می رسد موضوع دریای خزر در مجلس هفتم تحت تأثیر فشارهای بین المللی و فضای کلی دیپلماسی کشور قرار گرفته و در سایه بده و بستان‌های دیپلماتیک عمدتاً در موضوع هسته ای امکان ظهور و بروز یافته است. با این وجود نمی توان مذاکرات نمایندگان مجلس هفتم با منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، در موضوع رژیم حقوقی دریای خزر را نادیده انگاشت. چرا که پس از عمده ترین فعالیت دستگاه دیپلماسی ایران طی چند سال اخیر که با برگزاری اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر در تهران (۱۷ مهرماه سال جاری) تجلی یافت، شاهد سخنانی قابل تأمل از سوی وزیر امور خارجه در خصوص سهم ایران از این دریا بودیم که بحث برانگیز شد. در موضوع هسته ای، مجلس هفتم پیش از ارسال پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و آغاز دوران صدور زنجیره ای قطعنامه های تحریمی و تهدیدی علیه نظام تصدی قوه مقننه را عهده دار شد. در آن زمان به نظر می رسد فضا برای همدستی دولت و مجلس در راستای ممانعت از ارسال پرونده به شورای امنیت و حفظ تعاملی نتیجه بخش و مثبت در مسیر هسته-ای ایران و تعامل با کشورهای طرف ایران در موضوع مورد بحث هم چنان هموار بود و در سایه پرهیز از جدال-های حزبی و فکری تحقق این هدف امکان پذیر می نمود در حالی که واقعیات بدور از این چهارچوب رقم خورد و مسیر هسته ای ایران بیش از گذشته وارد چالش های دیپلماتیک شد. عملکرد مجالس ششم و هفتم در عرصه سیاست خارجی قابل مقایسه نیست، مجلس ششم توانایی بالایی برای اعمال نظر داشت و این توانایی محصول انتخاباتی آزادتر، رقابتی جدی تر و آرای مردمی بالاتر بود که اهرم های لازم برای نقش آفرینی هر مجلس در صحنه قانون گذاری است، در مقابل مجلس هفتم با آرای پایین، رقابت ضعیف و نمایندگانی با قدرت محدود بر سر کار آمد و به تبع این مسائل مجلس هفتم، مجلسی منفعل شد و مقتدر عمل نکرد، بر همین اساس مجلس نتوانست بر عملکرد دولت در عرصه سیاست خارجی اشراف داشته و با این اشراف نقطه ضعف های فراوان دولت را پوشانده و راهنمای عملی برای آن باشد، ضعف های دولت و انفعال مجلس در عرصه خارجی شامل ارتباط با کشورهای خلیج فارس، مسائل دریای خزر و پیگیری جدی قطع نامه های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل بوده است و در موضوع انرژی هسته ای نیز گرچه دست یابی به این انرژی حق ایران است اما باید دیپلماسی قدرتمند و شبانه روزی پشت آن باشد که متاسفانه نه تنها چندان قدرتی را در این زمینه شاهد نبودیم، بلکه چالش های جدی بر اثر صحبت ها و اظهار نظرهای غیر مسئولانه برخی مسئولین نیز در این جریان ایجاد شد و در دسرهای جدی برای دیپلماسی ایران بدنبال داشت."

در ماه های پایانی سال ۱۳۸۳ دو دیدگاه متفاوت از دو جناح سیاسی بر مجلس و دولت مستقر بودند. اصولگرایان با وعده های اقتصادی و حمایت از قشر آسیب پذیر جایگزین اصلاح طلبان در مجلس ششم شدند. در مقابل دولت اصلاح طلب خاتمی ماه های پایانی عمر خود را طی می کرد. این تفاوت دیدگاه در همان چند ماه آخر دولت خود را نشان داد. مجلس هفتمی ها در همان ماه های نخست با انتقاد از نمایندگان دوره ششم و مصوبات آنها، به اصلاح

ماده ۳ برنامه چهارم توسعه که به افزایش تدریجی قیمت سوخت طی ۵ سال تا رسیدن به فوب خلیج فارس می‌پرداخت، اقدام کردند. در آن زمان نمایندگان چون احمد توکلی، الیاس نادران، محمد خوش چهره و حسن سبحانی طرح تثبیت قیمت‌ها را به مجلس ارائه کردند. این طرح بشدت مورد حمایت و دفاع حداد عادل، رییس مجلس نیز بود. در این ماده مهم که پس از تصویب مجلس ششم و شورای نگهبان شکل قانونی به خود گرفته بود، پیش‌بینی شده بود که در پنج ساله منتهی به سال آخر برنامه چهارم، قیمت حامل‌های انرژی تا سطح قیمت‌های عمده‌فروشی خلیج فارس واقعی شود و منابع حاصل از آن صرف کمک مستقیم یا جبرانی از طریق نظام تامین اجتماعی به اقشار آسیب پذیر گردد. اما مجلس هفتم با این استدلال که این ماده قانونی تورم‌زا است، با تصویب اصلاحیه‌ای که بعداً نام «طرح تثبیت قیمت‌ها» به خود گرفت، آن را ملغی کرد. بر اساس طرح تثبیت قیمت‌ها و اصلاحیه مجلس هفتمی‌ها، ماده سوم برنامه چهارم توسعه حذف شد و دولت مکلف شد قیمت یازده قلم کالا و خدمات دولتی چون قیمت بنزین، گاز، گازوئیل، آب، برق، مخابرات، فاضلاب و ... را بر مبنای قیمت‌های تابستان ۸۳ محاسبه و از مردم اخذ نماید. مجلس هفتم با شعار اصولگرایی به میدان آمد و اکثریت قاطع آن را با رأی ملت، اصولگرایان تشکیل داده اند، یعنی کسانی که به نظام اسلامی و خط امام و ولایت امر و ارزشهای اسلامی فکر می‌کنند. شعار اصولگرایی انتظاراتی را در مردم بوجود می‌آورد که این انتظارات بحق است و نمایندگان باید از عهده آن برآیند. گفتمان اصلاحات پس از پیروزی در دوم خرداد ۱۳۷۶ نتوانست جامعیت خود را حفظ کند و به نیازها و تقاضاهای متعدد زمانه پاسخ دهد و به این ترتیب انشقاق و ریزش در آن آغاز شد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در واقع مجلس هفتم در ابتدای تأسیس که مقارن با دو سال آخر فعالیت دولت هشتم بود در سایه اختلافات بارز سیاسی دو طیف اصول‌گرایان غالب در مجلس و اصلاح‌طلبان حاضر در دولت نقش چندانی بارزی در عرصه سیاست نداشته و اصول فکری خود را پی‌گیری می‌کرد آن‌هم در شرایطی که آغاز دورانی تازه از تصدی اصول-گرایان در فضای سیاسی کشور ملموس بود، پس از روی کار آمدن دولت نهم که به لحاظ ایدئولوژیکی هم راستا و هم جهت با مجلس شورا بود، اقدامات مجلس جز یک نمونه سلبی در موضوع هسته‌ای که دولت را حفظ به بازنگری در روابطش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صورت نادیده گرفتن حقوق هسته‌ای ایران می‌نمود، همواره شاهد اقدامات و تصمیمات تأییدکننده دولت در عرصه دیپلماسی بودیم که باز مؤید بی‌نقشی قوه مقننه در مسائل سیاست خارجی است. این انفعال از سوی یکی از بارزترین چهره‌های اصول‌گرای مجلس هفتم نیز از نظر دور نمانده است. الیاس نادران، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، بعنوان عضو ارشد فراکسیون اصول‌گرایان مجلس هفتم شناخته می‌شود در نشست خبری جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی که روز ششم اسفند ماه در جریان فعالیت‌های انتخابات گروه‌های مختلف برای تصدی کرسی‌های نمایندگی مجلس هشتم برگزار شده بود درخصوص عملکرد مجلس هفتم گفت: «یک آسیب در این مجلس وجود داشت و آن عبارت بود

از برتری و غلبه رویکردهای فردی بر منافع ملی» در ادامه به صورت فهرست وار به مصوبات چالش برانگیز مجلس هفتم اشار می‌نماییم:

طرح تثبیت قیمت‌ها: یکی از مصوبات جنجالی مجلس هفتم طرح تثبیت قیمت‌ها بود که بر اساس آن دولت خاتمی را از افزایش تدریجی قیمت برخی اقلام یارانه دار، همچون سوخت و کالاهای عمومی منع می‌کرد. دکتر حدادعادل این طرح را هدیه مجلس هفتم به مردم نامید

به گفته منتقدین، این طرح، نه تنها که باعث کاهش تورم نشده است، بلکه نرخ تورم را از ۱۵٪ درصد به ۲۴٪ رسانده، شرکت‌های دولتی را زیانده کرده و برنامه چهارم توسعه را نیز مخدوش ساخت و مردم از لحاظ اقتصادی در تنگنای بیشتری قرار گرفتند و لذا این سرخ در راستای ضدیت با منافع ملی بود^۱.^{۱۵} همچنین به گفته برخی کارشناسان، این مصوبه، منجر به تورم انفجاری پس از سهمیه‌ای کردن بنزین و دورتر شدن از اهداف اصلی برنامه چهارم توسعه (هدفمند کردن یارانه‌ها) گردید^۱

وضعیت صندوق ذخیره ارزی، بیکاری مفرط، عدم تخصیص صحیح اعتبارات به بخش‌های مختلف اقتصادی، تورم شتابان، همه و همه از یکسو و مخاطرات سیاسی (حمله نظامی آمریکا و هم-پیمانانش، تهدیدات نظامی امارات متحده عربی، جمهوری آذربایجان و ...) از سوی دیگر، تصویری دهشت‌آور از تفکر اقتصادی حاکم بر مجلس شورای اسلامی (دوره هفتم) را نمایان می‌سازد (فصلنامه دانش‌جوئی شهر واجتماع، شماره نخست، زمستان ۱۳۸۳)

سهمیه بندی بنزین: پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد، مجلس هفتم با زیر پا گذاردن مصوبه قبلی خود در طرح تثبیت قیمت‌ها، طرح سهمیه بندی بنزین را تصویب کرد
لذا مشاهده می‌شود، اقدامات فوق اگر چه با اسم منفع ملی و در جهت ارتقاء سطح زندگی مردم، تصویب گردید، اما در واقع ای مصوبات به فشار اقتصادی هر چه بیشتر و در تنگا قرار دادن مردم منتهی شد و در راستای منافع ملی نبود.

^۱. گر دولت نهم همراه با مجلس هفتم در ابتدای کار خود، بر طرح تثبیت قیمت‌ها که اقدامی پوپولیستی و غیر کارشناسی بود پافشاری نمی‌کردند شاید امروز قیمت بنزین داخلی به قیمت بنزین مبادی ورودی نزدیک تر می‌شد و اقدام ناگهانی در آزادسازی قیمت بنزین اثر نامطلوب تورمی به شکل انفجاری را در سطح جامعه به جا نمی‌گذاشت. - فرارو، ۱۹ خرداد ۱۳۸۷)

۷- نتیجه‌گیری

اساسی‌ترین پایه حکومت خوب، حاکمیت قانون و قانون‌مداری است. از این رو حکومت خوب بر قانون‌گذاری دقیق و منظم و عقلانی استوار است و این در پناه هنجارهای صحیح قانون‌گذاری و عدم وجود تعارض هنجاری و ساختاری و رفتاری قانون‌گذاری است، بر طبق پژوهش صورت گرفته، این نتیجه‌گیری کلی حاصل می‌شود که در بررسی مقایسه‌ای این دو مجلس؛ اگر چه مجلس ششم اسیر باندبازی‌های سیاسی، و جذب‌گری‌های مفرط گردید، اما مجلس هفتم نیز که با رویگردانی از حزب گرایی، و کنار زدن حزب اصلاح طلب، در صدد بود تا اشتباهات مجلس ششم را تکرار نکند، اما با مصوبه‌های طرح شده که حاکی از عدم اشراف سیاسی بود، مانند مجلس ششم منافع ملی را پایمال نمودند.

یکی از اساسی‌ترین نقدهایی که به مجلس ششم شده است؛ گرفتار شدن به مسائل سیاسی بود که نسبت به مسائل اقتصادی و اجتماعی از اولویت بیشتری برخوردار شده بود. با نگاهی واقع‌بینانه به کارنامه مجلس ششم می‌توان گفت تنها نامی که به این مجلس می‌توان داد، «مجلس سیاسی» است و «سیاسی‌کاری» و «سیاست‌زدگی» القابی است که می‌توان برای اعضای آن به کار برد؛ چرا که وظیفه اصلی نمایندگان، قانون‌گذاری و نظارت است که متأسفانه هر دوی این امور اسیر جناح‌بازی و اهداف گروهی شد و در نتیجه وقت مجلس ششم به بیشترین جنجال‌های سیاسی و دعواهای بین احزاب و گروه‌ها سپری شد و سبب غفلت از مسائل اساسی‌تر و اختلال در مسائل گوناگون کشور و انقلاب اسلامی گردید و فرصت‌های طلایی خدمت به مردم را از دست داد. نظام انتخاباتی حاکم بر گزینش نمایندگان مجلس هفتم قانون مصوب هفتم آذر ۱۳۷۸ و اصلاح‌هی آن مصوب سیزدهم دی ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی بوده است. در مجلس هفتم رفتار نمایندگان بیشتر «فردگرایانه» بوده است تا «جمع‌گرایانه»، به نحوی که نمایندگان در ۷۶ درصد موارد به شکل انفرادی از ابزار قانونی تذکر و در ۳/۹۰ درصد موارد به شکل انفرادی از ابزار قانونی سؤال استفاده کرده‌اند و این در حالی است که اقدام مشترک و جمعی نمایندگان در تذکر دادن به مسئولان اجرایی ۱۷ درصد (برای چند حوزه انتخابیه) تا ۲۴ درصد (برای حوزه انتخابیه واحد) و سؤال از وزرا ۷/۹ درصد بوده است.

اگر چه در حوزه امنیتی - سیاسی مجلس ششم بسیار پرکار بود و به بررسی طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور؛ طرح اصلاح مواد (۲۴۸) و (۲۴۹) قانون مجازات اسلامی (اثبات قتل عمد با لوٹ و قسامه) طرح اصلاح مواد (۵۱۳)، (۵۱۴) و (۶۹۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (مجازات اهانت و دروغ بستن به ائمه امام خمینی و اشخاص حقیقی و حقوقی)؛ طرح جرایم سیاسی؛ طرح تشکیل دادگاه

رسیدگی به شکایات درمورد قربانیان جنایت کشتار جمعی (ژنوسید) و یا ناشی از تعدیات رژیمهای نژادپرست؛ لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین-المللی؛ طرح الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و طرح منع شکنجه پرداخت اما با طرح شعار دروغین خروج از حاکمیت و استعفا، بی توجهی به منافع ملی و در اولویت قرار دادن منافع حزبی و جناحی بر مصالح کشور و تامین نظرات دشمنان و بی توجهی به حساسیتهای مردم؛ طراحی فتنه علیه ارکان اصلی نظام با نامه سرگشاده ۱۰۰ تا ۱۲۷ نماینده به مقام معظم رهبری؛ به حاشیه راندن خواسته های اصلی مردم و بی توجهی به مشکلات و معضلات اساسی آنان (که برای نظام بسیار خطرآفرین است؛ جبهه گیری تند علیه سایر قوای خدمت گزار نظام (مانند قوه قضائیه، شورای نگهبان، صدا و سیما، سپاه پاسداران، بسیج) نتوانست در راستای منافع ملی گام بردارد .

همچنین مجلس هفتم که عده ای از نظریه پردازان بر این باورند که این مجلس منافع ملی و مصالح کشور را بر گرایش های سیاسی ترجیح داده است، اما با بررسی عملکرد این مجلس نتیجه ای عکس حاصل میشود، چرا که این مجلس به رغم مبرا نبودن خود از حزب بازی های سیاسی، طرح های چون، هدفمند سازی یارانه ها، طرح تثبیت قیمت، وضعیت صندوق ذخیره ارزی، بیکاری مفرط، عدم تخصیص صحیح اعتبارات به بخش های مختلف اقتصادی، تورم شتابان، همه و همه از یکسو و مخاطرات سیاسی نتوانست گامی موثرتر از مجلس ششم بردارد و منفعی ملی اسیر عدم چشم انداز سیاسی گردید.

- اژدری، روح الله (۱۳۹۴)، مجلس ششم از تقلب تا تحصن. تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چاپ اول.
- امنیت ملی و نظام بین المللی، جلیل روشندل، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
- آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی. ۱۳۸۶. رابطه ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
- آزادارمکی، تقی، ملکی، امیر (۱۳۸۵)، «تحلیل ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان» فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، درس های دموکراسی برای همه. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. ۱۳۸۱. درس های دموکراسی برای همه. نشر نگاه معاصر تهران
- تاجیک، محمدرضا، محمد روزخوش. ۱۳۸۷. بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، مجله ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- دارابی، علی (۱۳۹۶)، جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفدهم.
- دانش جعفری، داوود. ۱۳۸۲. مجلس هفتم بر توسعه اقتصادی تأکید دارد. روزنامه انتخاب.
- رشیدی علی. ۱۳۷۷. اقتصاد مردم سالار، موسسه انتشارات آوای نور تهران
- شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۸۷)، «مجلس و ائتلاف هایش»، نشریه زمانه، شماره ۸۷
- شیدائیان، حسین (۱۳۸۶)، «جریان های سیاسی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، فصلنامه حصون. دوره سی و چهارم، شماره ۱۴.
- دین پرستی صالح، فائزه (۱۳۹۵) تحلیل کنشهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منظر سیاستهای عمومی دولت، فصلنامه دولت پژوهی، سال دوم (شماره ۸)، ۱-۵۷.
- زارعی، علی، بهشتی سرشت، محسن، فوزی، یحیی، حسن زاده، اسماعیل (۱۳۹۸) مقایسه تحلیلی عملکرد نظارتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادوار اول تا دهم، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، سال سیزدهم (شماره ۴۸)، ۳-۲۶.
- فقیهی، ابوالحسن، ذاکری، محمد و اسدی، اسماعیل (۱۳۹۳) ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: مجلس سوم تا هشتم)، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۲
- محقر، علی، امین ناصری، محمدرضا (۱۳۸۰) تعیین و تبیین شاخصهای ارزیابی تصمیمات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نشریه مدرس علوم انسانی، دوره پنجم (شماره ۲)، ۱-۲۴.
- نعمتی، نورالدین (۱۳۹۸) عملکرد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی دوره سوم و چهارم (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵)، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره یازده (شماره ۱)، ۱۳۳-۱۴۹.

- Chiru, M. (۲۰۱۸). The electoral value of constituency-oriented parliamentary (۹۵۰-۹۶۹).
 - Thompson, JB Thrasher, G AUS, Arthur L Burnett. Edith D Canby, (۲۰۰۷). The Journal of Urology, ۱۷۷(۲۸),
 - Marwa Abdalla Alboushra, Amirul Shah Md Shahbudin, Yousif Abdelbagi (۲۰۱۵), Asian Social Science ۱۱(۱۰), ۲۲-۱۰.
 - Costa, M., Johnson, K., & Schaffner, B. (۲۰۱۸). Rethinking representation (۳۰۱-۳۲۰), Political Behavior, ۴۰(۲),
 - Moacyr Aureliano Gomes De Brito, Luigi Galotto, Leonardo Poltronieri IEEE (۲۰۱۲), Sampaio, Guilherme de Azevedo e Melo, Carlos Alberto Canesin (۱۱۵۶-۱۱۶۷),
 - Mckay, Lawrence (۲۰۲۰). Does constituency focus improve attitudes to MPs? (۱-۲۶), The Journal of Legislative Studies, ۲۶(۱),
 - André, A., DePauw, S., & Andeweg, R. B. (۲۰۱۸). Public and politicians' (۶۵۹-۶۸۱), preferences on priorities in political representation, ۳(۳),